

افغانستان طولانی‌ترین و پرمصرف‌ترین جنگ آمریکا

(استاد صباح)



وطن ای زاد گاه مردی مردان
تومسکن وتو ماوایی دلیران
بروزی رزم و پیکار در نبرد گاه
لبیک گفته بخواست توشه‌یدان.

آمریکا برای اشاعه نفوذ خود مواجه با مبارزه همان بنیادگرایانی است که به شکل گرفتن آنها کمک کرد.
حال برای تداوم تفوق خود بنیادگرایان را دشمن می‌یابد و از بین بردن آنها را ضروری می‌بیند. این
حقیقت تلخ جهان سیاست است. دوستی وجود ندارد و همه گروه‌ها فقط وسیله هستند. وقتی استفاده‌ای
از آنها نیست، باید از بین بروند...

جنگ افغانستان، طولانی‌ترین جنگ خارجی در تاریخ آمریکا، حدود یک تریلیون دلار برای مالیات دهندگان آمریکایی هزینه داشته و نیاز به صدها میلیارد دلار سرمایه دیگری دارد. روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی درباره هزینه‌های جنگ افغانستان برای آمریکایی‌ها با استناد به تحقیقات مستقل آورده است: «حدود ۸۰ درصد هزینه‌های جنگ افغانستان در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما تامین شده است.»

اوباما از زمان آغاز ریاست جمهوری‌اش در سال ۲۰۰۹ حضور نظامی در افغانستان را شدیداً افزایش داد. هزینه‌های گسترده برای این جنگ ۱۳ ساله که دولت هرگز جزئیات آن را منتشر نکرد موجب گسترش تردیدها درباره جنگ در آمریکا شده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که اکثر آمریکایی‌ها معتقدند که جنگ افغانستان ایده بدی بوده است. در حالی که جنگ عراق تاکنون حدود یک تریلیون دلار برای آمریکایی‌ها هزینه داشته، هزینه‌های جنگ افغانستان عامل مهمی در بیزاری گسترده مردم آمریکا و دولت اوباما جهت دخالت نظامی در سایر نقاط دنیا از جمله اعزام دوباره نیرو به

عراق بوده است. جان ساپکو، بازرس ویژه دولت امریکا برای افغانستان کسی که سازمان تحت سرپرستی اش پروژه‌های بازسازی افغانستان به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار نظارت دارد.

می‌گوید: میلیاردها دلار سرمایه‌های این پروژه‌ها به هدر رفته و یا دزدیده شده است. آن هم طی پروژه‌هایی که معمولاً تأثیر بسیار کمی بر شرایط افغانستان دارند. مطمئناً ما دوباره نمی‌توانیم چنین پولی را از دست بدهیم. مردم آمریکا با این موضوع کنار نمی‌آیند. ساپکو با اشاره به مبلغی که امریکا صرف بازسازی افغانستان کرده بیش از هزینه‌ای است که طی طرح مارشال برای بازسازی غرب اروپا صرف شد. من در سازمان کمک رسانی، امریکا دولت و پنتاگون به افرادی برخورد می‌کنم که گمان می‌کنند در کانتزاس هستند نه افغانستان. بازرسان من اطلاعاتی درباره برنامه‌های هزینه‌ها ارائه می‌دهند که من فقط می‌توانم بگویم شما اینها را از خود ساخته‌اید.

عملیات نظامی ناتو در افغانستان که مدت کوتاهی پس از حمله ۱۱ سپتمبر در سال ۲۰۰۱ آغاز شد متأسفانه در حالی ظاهرآ تا پایان دسامبر پایان می‌یابد که شورشیان طالبان با وجود اینکه کنترل هیچ شهر بزرگی را در دست ندارند ولی همچنان قدرتمند هستند. طبق برنامه فعلی حدود ۱۰ هزار نیروی امریکایی تا پایان سال ۲۰۱۶ در افغانستان باقی می‌مانند با این وجود دولت امریکا باز هم برای افزایش نیروها در این کشور به دلیل نگرانی‌ها درباره تجدید فعالیت طالبان با خروج امریکایی‌ها تحت فشار رو به افزایشی است.

از سال ۲۰۰۱، دولت آمریکا حدود ۷۶۵ میلیارد دلار برای جنگ در افغانستان اختصاص داده است. بیشتر این هزینه‌ها مربوط به مخارج وزارت دفاع و بخش دیگری نیز مربوط به وزارت خارجه بوده است. نکته جالب اما این است که هزینه مالی هردو جنگ عراق و افغانستان قرض گرفته شده بود و بر اساس مدارک پوهنتون سیتی در نیویارک امریکا تاکنون ۲۶۰ میلیارد دلار از بدهی‌های این جنگ‌ها را پرداخت کرده است. در راس این هزینه‌ها، تامین منابع مالی برای درمان و دواهای سربازان زخمی و آسیب دیده‌ای است که اردو را ترک کرده‌اند.

لیندا بیلمز، اقتصاددانی که تحقیقات گسترده‌ای در زمینه هزینه‌های جنگ انجام داده، برآورد کرده است که هزینه‌های صحتی و درمانی سربازان هردو جنگ عراق و افغانستان تاکنون به ۱۳۴ میلیارد دلار رسیده است. با این حال بیلمز معتقد است دسترسی به هزینه‌های درمانی تنها برای سربازان جنگ افغانستان غیرممکن است چرا که یک سوم این سربازان در هردو جنگ عراق و افغانستان شرکت داشتند.

جنگ افغانستان باعث افزایش هزینه‌های عمومی دیگری نیز شده است مانند بودجه جداگانه جنگ که از سال ۲۰۰۱ به بعد مطرح شده، بودجه اولیه پنتاگون که تمام هزینه‌های این نهاد را پوشش می‌دهد و جنگ در عراق و افغانستان یکی از مهمترین عوامل افزایش این هزینه‌ها بوده است.

همچنین بر اثر فشارهای سیاسی ناشی از جنگ حق بیمه سلامت اردو که توسط پرسونل این نهاد پرداخت می‌شود تا حد ممکن ارزان نگه داشته شده است. همزمان حقوق‌ها به دلیل افزایش تورم افزایش یافته است. به علاوه از سال ۲۰۰۱، بودجه اولیه وزارت دفاع به ۱,۳ تریلیون دلار افزایش یافته است. هزینه‌های آتی جنگ افغانستان احتمالاً به بیش از صدها میلیارد دلار دیگر می‌رسد. پنتاگون پیش بینی کرده است که این نهاد برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ نیاز به بودجه‌ای بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار دارد. با این حال هزینه‌های دیگری بستگی به عملیات‌های آتی‌ای دارد که کاخ سفید درباره آن‌ها تصمیم گیری می‌کند. در همین حال پرداخت بدهی‌های ناشی از هزینه‌های جنگ، هزینه‌های درمانی نیز به شدت در حال

بالا رفتن هستند چرا که برخی از سربازان این جنگ‌ها اکنون وارد دهه ۶۰ زندگی خود شده و نیازشان به سرویس‌های درمانی نیز افزایش یافته است.

طبق برآوردهای پروفیسور بیلمز، هزینه‌های ناتوانی و درمانی سربازان جنگ‌های عراق و افغانستان طی دهه‌های آتی به ۸۳۶ میلیارد دلار خواهد رسید. این دوجنگ همچنین هزینه‌های تقاعد را برای پنتاگون افزایش داده‌اند.

اردو متعهد شده تا ۱,۲۷ میلیارد دلار به سیستم تقاعد خود اختصاص دهد. انتظاری‌رود این هزینه تا سال ۲۰۳۴ به ۲,۷۲ تریلیون دلار برسد. با این حال منابع این هزینه‌ها هنوز تامین نشده است. به گفته یکی از مقامات دولتی حقیقت تلخ درباره جنگ افغانستان این است که پنتاگون یا هرکس دیگری در دولت نمی‌تواند بگوید این جنگ چه قدر برای ما هزینه داشته است.

دست آورد های جنگ سیزده ساله



چرا مردم قفس را آفریدند؟

چرا پروانه را از شاخه چیدند؟

چرا پروازها را پر شکستند؟

چرا آوازه‌ها را سر بریدند؟

اکنون مواردی از تأثیرات چندجانبه جنگ نثرمی شود که واقعا مایه شرمساری است. به گفته سکرتر جنرال سازمان هلال احمر بسیاری از دختران و زنان از سوی نظامیان خارجی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند که به خاطر ترس از آبرو و حیثیت خود، آن را گزارش نمی‌کنند. قریب سیزده سال از لشکرکشی آمریکا و متحدانش به کشور ما می‌گذرد و هر روز بیش از پیش شاهد دخالت‌های گسترده خارجی‌ها در امور سیاسی، جسارت و اهانت به مقدسات مردم و گسترش بی‌ثباتی هستیم. طی این سالها حاصل جنگی که تحت نام مبارزه با تروریسم صورت می‌گیرد، برقراری صلح و امنیت و ثبات در افغانستان که نبوده است هیچ، باعث کشتار افراد بی‌گناه غیرنظامی و حتی بسیاری از هموطنان در اردو پولیس ملی شده که آمار موجود بسیار بهت‌آور است. جدای از اینکه طالبان نیز دوباره سربرافراشته و ادعای حیثیت دارند.

در این شکی نیست که قربانیان اصلی این جنگ غیر نظامیان می‌باشند زیرا تلفات غیر نظامیان سال به سال افزایش می‌یابد. حملات قوای ناتو بخصوص عملیتهای هوایی، فعالیت‌های جنگی طالبان و حملات انتحاری که در مناطق مزدحم

صورت می‌گیرد، کمتر به نظامیان و بیشتر به غیر نظامیان آسیب می‌رساند.

جالب است بدانید براساس آمار موجود طی سیزده سال اخیر یعنی از سال دوهزاریک تا پایان سال دوهزارسیزده قریب به سی و پنج هزار نفر از هموطنان غیر نظامی مادر اثر این جنگ کشته شده‌اند. بیش از شصت و پنج هزار غیر نظامی نیز در این عملیات زخمی شده‌اند که تعداد نقص عضو شدگان، معیوب و معلول شدگان قریب به پنجاه فیصد می‌باشد. هر چند که اگر سازه‌های مستقل موجود می‌بود تا این آمارها را ضبط کند مطمئناً بسیار بیش از اینها بود.

که البته کشته شدن قریب پنج هزار نظامی اردوی ملی و زخمی شدن ده هزار تن از این عزیزان و کشته شدن هزار محافظ شخصی را طی این سیزده سال باید به آمار فوق اضافه کرد. این تنها ارقام کشته شدگان و زخمی‌ها می‌باشد. به یقین نمی‌توان گفت خسارت وارده به خانواده‌های این افراد که بی سرپرست و یتیم شده‌اند، چه میزان است؟ هیچگاه مقامات خارجی و داخلی درک نخواهند کرد چه تعداد از مردم بیگناه بخاطر سیاستهای آنها ناقص‌العضو و معلول شده‌اند. هر چند که خسارات وارده به منافع ملی نیز قابل تصور و بیان نمی‌باشد.

اماعلاوه بر این مسایل، اکنون مواردی از تأثیرات چندجانبه جنگ نشر می‌شود که واقعا مایه شرمساری است. به گفته رییس سازمان هلال احمر کشور بسیاری از دختران و زنان از سوی نظامیان خارجی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند که به خاطر ترس از آبرو و حیثیت خود، آن را گزارش نمی‌کنند. هر چند که تاکنون قریب پنجاه مورد گزارش رسمی از تجاوز خارجی‌ها به نوامیس افغانستان ثبت شده است.

پس واضح است جنگ صدمات و ضربات سنگینی به جای می‌گذارد و عواقب سنگین‌تری بعد از جنگ بر جای می‌ماند. شیوع امراض مختلف از جمله سرطان و تولد کودکانی که قلب آنها سوراخ است از پیامدهای جنگی می‌باشد که خارجی‌ها آن را تحمیل کرد و قصد اتمام آن را ندارد. البته به گفته آگاهان مسایل صحتی روز به روز بر تعداد فرزندان ناقص‌الخلفه افزوده می‌شود که احتمالاً حاصل استفاده از سلاح‌های بیوشیمی در جنگ است.

متأسفانه غربیها آنچنان اذهان عمومی را درگیر مسایل حاشیه‌ای کرده‌اند، که بسیاری از دولتمردان و مردم کشور از اتفاقات وحشتناکی که پیرامون آنها رخ می‌دهد، غافلند. مسایلی مانند فروش مشروبات الکلی و گوشت خوک در بازارهای داخلی، راه اندازی مخفیانه قمارخانه‌ها، ترویج بی بندوباری، به فساد کشاندن جوانان، گسترش بی‌حجابی و تزلزل نظام خانواده، مواردی بود که داد شورای علما را که همیشه سکوت پیشه داشتند، نیز در آورده است.

کاش فرصت بیش از این مجمل بود تا می‌دیدیم این خارجیها علاوه بر جان ما، با قلب و روح ما چه کرده‌اند؟ آیا واقعا حاصل این سیزده سال جنگ در افغانستان که نمی‌دانیم چه حاصلش بوده است.

ارزش قربانی شدن این همه هموطن و این همه جرایم را داشت؟ اگر کسی بپرسد که این همه قتل و غارت و جسارت درازای به دست آوردن چه چیز بوده است، آیا کسی هست پاسخگو باشد؟ آیا دولت، رییس دولت و مستشارانش این قدر جرات دارند تا کارنامه‌ای برای سیزده سال حکمرانی خود بر این سرزمین ارائه دهند که همه موارد اعم از ضرر و منفعت این جنگ، در آن قید شده باشد؟ به یقین افغانستان بی‌دروپیکر تر از آن است که کسی بخواهد به موضوع جنایاتی که طی این سالها در کشور ما مرتکب شدند، بپردازد.

فارین پالیسی نشریه‌ی چاپ امریکا در شماره خود آورده است که زمان گفتگوهای صلح با طالبان گذشته و اکنون نبرد این گروه در افغانستان، نبرد قدرت و موادمخدر است. این نشریه هشدار داده است که پاکستان به بهانه‌ی کمک به روند صلح

افغانستان، از کابل امتیاز می‌گیرد؛ هر چند اسلام‌آباد اختیار طالبان را از دست داده است. تحلیلگران این نشریه گفته‌اند که نبرد طالبان، اکنون نبرد مواد مخدر است و اسلام‌آباد برای این که کابل را از نزدیک شدن با دهلی‌نو دور نگه دارد، تعهد کمک به روند صلح داده است.

طالبان با آغاز حمله‌های بهاری، رییس‌جمهور را در گفتگوهای صلح که از سوی حکومت پاکستان زمینه‌سازی گردید، به چالش کشیدند. این حمله‌ها نشان می‌دهند که ستراتیژی دولت کابل در این گفتگوها ناکام است، زیرا پاکستان خود با چالش طالبان درگیر است و اکنون خیلی دیر است که اسلام‌آباد طالبان را به گفتگوهای صلح بکشاند.

در بخشی از مقاله فارن‌پالیسی نیز آمده است که سیاست اسلام‌آباد در برابر کابل، حتماً برای واشنگتن هم روشن نیست. افغانستان میدان رقابت هند و پاکستان است. اسلام‌آباد هرگز نمی‌خواهد که دهلی‌نو و کابل در پیوند با موضوعات مختلف همدردی داشته باشند. تلاش پاکستان همواره به دورنگداشتن افغانستان و هند متمرکز بوده است، زیرا اسلام‌آباد یک افغانستان نیرومند در همسایگی‌اش نمی‌خواهد.

اوباما؛ رئیس‌جمهور آمریکا از کنگره خواستار بیش از یک میلیارد دلار کمک‌های نظامی و غیرنظامی از جمله افزایش شش برابر در تامین مالی نظامی خارجی این کشور شد. کمک‌های پیشنهادی آمریکا برای مبارزه علیه تروریسم، افراط‌گرایی، توسعه اقتصادی و ایمنی تاسیسات هسته‌ای می‌باشد. کمک‌های آمریکا و تعامل با پاکستان برای آوردن ثبات به افغانستان و ترویج روابط بهتر میان اسلام‌آباد و دهلی‌نو می‌باشد. طرح بودجه پس از منتشر شدن در سال مالی جدید به کنگره برای افزایش بیش از شش برابر تامین مالی نظامی خارجی فرستاده شد.

آمریکا در سال مالی جدید به غیر نظامیان و برقراری امنیت در پاکستان مساعدت می‌کند.

دولت آمریکا در سال مالی جدید بیش از ۸۰۰ میلیون کمک‌های اقتصادی و امنیتی به پاکستان می‌کند. تخصیص کمک‌های مالی آمریکا به پاکستان در حدود ۵۳۴۰۰۰،۰۰۰ دلار کمک‌نظامی و ۳۰۷۰۰۰،۰۰۰ دلار کمک‌های امنیتی به این کشور می‌باشد. سند بودجه نشان می‌دهد که درخواست کمک‌ها به منظور تعهد آمریکا به ارائه کمک‌های امنیتی برای ترویج مبارزه علیه تروریسم و افراط‌گرایی و ارتقای سطح قابلیت‌ها و تامین مالی ارتش پاکستان برای افزایش ثبات در منطقه مرزی و همچنین ثبات کلی در درون مرزهای این کشور است. ادامه دارد...